

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش جدید، اسباب، ابعاد و اهداف سعودی در منطقه



(ترجمه)

تحولات غیرمترقبه اخیر در سرزمین حرمین شریفین، پرده از تغییرات قابل توجهی در استراتژی امریکا در قبال منطقه خاورمیانه برداشت. شاید بارزترین مظهر این استراتژی جدید، برجسته شدن قابل توجه نقش سعودی با رهبری جدید آن باشد. آنچه در این میان بیشتر از همه قابل توجه است، این است که چهره محمد بن سلمان جوان، جایگزین حکام پیر خانواده آل سعود شده و بسیاری از رسم و رواج‌های معمول و دیرین این خانواده را به چالش گرفته؛ رسم و رواج‌هایی که بر اساس آن و از آغاز تأسیس حکومت شاهی در این سرزمین، تاج و تخت پادشاهی را به گونه ارثی و متناوب، منحصر به فرزندان عبدالعزیز نموده است.

در عین حال، ترامپ رئیس جمهور امریکا نیز با استقبال غیرمعمولش از محمد بن سلمان، یکی از قوانین خاص قصر سفید را زیر پا نمود. او در ماه مارچ گذشته، در استقبالش از محمد بن سلمان، که در آن زمان ولی ولیعهد سعودی بود، به خبرنگاران و دوربین‌های تلویزیون‌های ماهواره‌ای اجازه داد تا از جریان استقبالش از بن سلمان فلم بگیرند. معمولاً به رسانه‌ها و تصویربرداران تنها در صورتی اجازه داده می‌شود که در قصر سفید حضور پیدا نموده و تصویربرداری نمایند، که دیدار با رئیس جمهور یک کشور باشد، اما ترامپ در این دیدارش، این قانون را با برگزاری ضیافت خاصی برای شاهزاده محمد بن سلمان در قصر سفید، زیر پا نمود؛

در حالی که چنین ضیافتی تنها برای رهبران بسیار مهم جهان برگزار می‌شود. تجدید و برجسته نمودن نقش سعودی به رهبری شاهزاده جوان و به این گونه خاص، که پس از استقبال گرم از وی در قصر سفید به سان شاه برحال آغاز گردید، اسباب و دلایل متعددی دارد:

۱- ضعیف شدن نقش مصر در قضایای اقلیمی، که قبلاً توسط مصر مدیریت می‌گردید، به ویژه پس از تحولات و انقلابی که در این سرزمین اتفاق افتاد: امریکا پس از این انقلاب، تمرکزش را روی استحکام و تقویت مزدوران‌اش نمود، زیرا احساس کرد که حکام مزدورش در این سرزمین در معرض خطر قرار دارند. به این ترتیب، توان حکام مصر در اداره و تسلط بالای قضایای داغ منطقه کاهش یافت و لازم شد تا نقش سعودی به جای مصر در این خصوص برجسته‌تر گردد.

۲- پس از آن که مداخله روسیه در قضیه سوریه، در کنار ایران و حکومت سوریه، نتایج ملموسی را به بار آورد، امریکا در خصوص بحران سوریه تا حد زیادی مطمئن شده و به این ترتیب بازی کنار زدن ایران و تقویت کشمکش‌های مذهبی را در مقابل افشاء شدن بازی سعودی باید از سر می‌گرفت. قبلاً اداره او با ما مجبور شده بود تا زمینه نزدیک شدن و همکاری علنی قدرت‌های فعال در سوریه را با ایران، به منظور ضربه زدن به انقلاب این سرزمین فراهم نماید.

۳- خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و کنار زده شدن مزدوران آن در سعودی از قدرت پس از مرگ ملک عبدالله بن عبدالعزیز، که در خدمت به انگلیس مشهور بود: با مرگ ملک عبدالله، ملک سلمان، که رویکرد امریکائی دارد، به قدرت رسید و فوراً شروع به کنار زدن مزدوران انگلیس از مقابل خویش نمود. برکناری‌ها و بازداشت شاهزاده‌ها، متنفذین و تاجران که در این اواخر به بهانه مبارزه با فساد انجام گرفت، بخشی از مجموعه اقداماتی است که به ترتیب به هدف محو کامل حضور طرف‌داران انگلیس از میان خانواده حاکم و حتی از میان تمام سیاست‌مداران صورت می‌گیرد.

۴- دلیل اقتصادی و نیاز شدید امریکا به درآمدهای هنگفت مالی برای جبران آثار بحران اقتصادی که دامن امریکا را گرفته و با وجود این که ده سال از آغاز آن می‌گذرد، هنوز آن را در هم می‌کوبد. هم‌چنین نیازی که امریکا به پول‌های هنگفت در مناطق بحرانی و حساسی، مانند سوریه، عراق، جنوب شرق آسیا و غیره دارد، طبیعتاً گاو شیردهی چون سعودی، بهترین موردی است که در چنین وضعیت و دشواری‌ها می‌تواند به داد امریکا برسد.

این اسباب و برخی دیگر از مسائلی بود که اداره حکومت ترامپ را انگیزه داد تا برای خانواده سعودی، نقش جدیدی را طراحی نماید، نقشی که هم‌چو یک تکان شدید، بسیاری از سیاست‌مداران و روزنامه‌نگاران را غافل‌گیر نمود. چنان‌چه مجله امریکایی "فورین پالیسی" تحولات اوضاع در سعودی را به دقت زیر نظر گرفته گفت: «دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا، مهار ولیعهد جوان عربستان سعودی، محمد بن سلمان، را باز گذاشته و او اوضاع خاورمیانه را به سوی شکننده‌گی می‌برد و مسئولیت عواقب آن بر دوش قصر سفید است.» این مجله به شهرت گرفتن سریع محمد بن سلمان اشاره نموده و از بازداشت‌های گسترده‌ای یاد نمود که در این سرزمین به راه انداخته، که آخرین مورد آن شامل شماری از شاهزاده‌گان بزرگ و ده‌ها تن از وزراء، تجار و رهبران جامعه داخلی

می‌شود. هم‌چنین به تحرکات متهورانه خارجی وی نیز اشاره نمود. مجله یاد شده می‌افزاید: «به نظر می‌رسد شاه سلمان بن عبدالعزیز و ولیعهدش محمد بن سلمان که فرزند اوست، اداره حکومت ترامپ را قناعت داده اند که کلید جنگ و صلح و تعیین مصیر خاورمیانه در اختیار آنان است.» (منبع: الجزیره نت ۱۱ نومبر ۲۰۱۷م)

این زمین‌لرزه، پس لرزه‌هایی در سطح جهانی نیز داشت، به ویژه در انگلیس که نخست با مرگ مزدورش عبدالله بن عبدالعزیز دچار فاجعه شد و سپس تحولات اخیر، فاجعه‌ای بزرگ تری نسبت به مرگ عبدالله برایش به بار آورد. روزنامه "تایمز" در گزارشی به ارتباط بازداشت‌های اخیر در سعودی با معاهده "یمامه" پرداخته، معاهده چندین میلیاردی که حکومت انگلیس به رهبری "مارگریت تاتچر" آن را با عربستان سعودی امضاء نموده بود. در این گزارش به سخنان شماری از ناقدین اشاره شده، از جمله: بازداشت شماری از شاهزاده‌گان، تجار و مسئولین سابق در واقع تلاشی است که ولیعهد به منظور تسلط بالای کشور و آماده نمودن اوضاع برای نشستن بر اریکه قدرت انجام می‌دهد، به ویژه با توجه به این‌که یکی از بازداشت شده‌گان، شاهزاده متعب بن عبدالله وزیر دفاع ملی و یکی از کاندیدان پادشاهی بود. بنابه گزارش یاد شده، سه تن از بازداشت شده‌گان، رابطه مستحکمی با لندن داشتند که نخستین آنان شاهزاده ترکی بن ناصر، که برجسته‌ترین مسئول نظامی بود، می‌باشد. (منبع: عربی ۲۱ نومبر ۲۰۱۷م)

روزنامه "اندی پندنت" انگلیسی به این باور است که محمد بن سلمان ولیعهد سعودی هرگز قادر نبود، بدون حمایتی که از جانب دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا و دامادش کوشنر دریافت می‌کند، دست به این تحولات در داخل و خارج سعودی بزند؛ اگرچه مسئولین وزارت خارجه و دفاع امریکا با سیاست‌های ترامپ در قبال سعودی و حمایت نامحدودش از اقدامات بن سلمان مخالفت نشان داده‌اند. روزنامه مذکور می‌افزاید: «بدون شک این حمایت‌هایی که محمد بن سلمان از جانب رئیس جمهور امریکا دریافت می‌نماید، رایگان نیست، زیرا ترامپ به شرکت ارامکو، که نگین شرکت‌های سعودی به شمار می‌رود، چشم دوخته. محمد بن سلمان قصد دارد، سهام این شرکت را به مزایده عمومی قرار دهد و ترامپ پیشنهاد نموده که این مزایده در بازار بورس نیویارک صورت گیرد. اگر ترامپ موفق شود بن سلمان را قناعت دهد، مزایده سهام شرکت ارامکو را در نیویارک انجام دهد، مطمئناً بریتانیا آن را از دست خواهد داد، در حالی که مطمئن بود، مناسب‌ترین مکان برای این مزایده بریتانیاست و این در حالی است که بریتانیا پس از خروج از اتحادیه اروپا سخت به این شرکت نیاز دارد.» (منبع: روزنامه اندی پندنت ۸ نومبر ۲۰۱۷م)

آلمان نیز به نوبه خود در زمینه ابراز نظر نمود. "زیغمار غابریل" وزیر خارجه آلمان از این حادثه ابراز انزجار و تعجب نموده و ترامپ را متهم نموده که با سیاست معاملات جدیدی که روی دست گرفته، نگرانی بزرگی را برای همه به بار می‌آورد. غابریل که در شبکه دوم تلویزیونی آلمان-زد دی اف- صحبت می‌نمود افزود: «ترامپ در سیاست خارجه‌اش برنامه درست و معتبری را روی دست نگرفته، او خالیگاه جو سیاسی بزرگی را ایجاد می‌کند که دولت‌هایی مانند چین و روسیه از آن استفاده خواهند نمود.» این وزیر آلمانی افزود: «این جهان نیست که اساسات جدید را پایه‌گذاری می‌کند، بلکه این رئیس جمهور امریکاست که آن را بر اساس

ارزش‌های خاص خودش می‌گذارد.» او در ادامه افزود که اروپا قادر نیست به تنهایی از نظام جهانی لیبرال که امریکا در مورد آن شک دارد، محافظت نماید. (منبع: الجزیره نت ۱۰ نومبر ۲۰۱۷م)

شکی نیست که این واکنش‌ها به موقف‌گیری‌های ترامپ، پرده از سرایشی‌گی تندی برمی‌دارد که ایدیولوژی سرمایه‌داری غربی به رهبری امریکا در آن قرار گرفته و این در حالی است که امریکا خودش را حامی و حامل اصلی این ایدیولوژی قلمداد می‌کند. هم‌چنین پرده از یک حالت سرخورده‌گی برمی‌دارد که تمام دولت‌های بزرگ سرمایه‌داری با آن دست و گریبان اند و هر لحظه در حال شعله‌ورتر شدن است و دلیل اصلی آن، سیاست‌های بی‌باکانه و دست‌درازی‌های ترامپ به ارزش‌های این ایدیولوژی و رسم و رواج‌های بین‌المللی است که این دولت‌ها در مورد آن به توافق رسیده اند. این وضعیت هشدار است که به نزدیک شدن زمان فروپاشی نظام سرمایه‌داری و بشارتی است به نزدیکی ظهور اسلام و دولت آن. **إن شاء الله تعالی!**

شکی نیست که اقدامات اخیر سلمان و فرزندش، که توسط امریکا پشتیبانی می‌شود، فاقد هنر مانور و فضاسازی دیپلوماتیک بوده و انگار می‌خواهند ثمره آن را با عجله به دست آورند. آن‌چه محمد بن سلمان و ترامپ انجام می‌دهند، فعالیت‌های هوسناکی است که درست با شخصیت هردو تن صدق می‌کند. ترامپ مردی است که در معامله و تجارت مهارت دارد، زیرا سراسر زندگی‌اش در بستن قراردادها و معاملات وهمی و خیالی در بازارهای بورس گذشته است. او رشد کاملاً اقتصادی داشته، پدرش تاجر املاک بود و خودش از فاکولته "وارلتون" دانشگاه پنسوانیای امریکا فارغ التحصیل شد، دانشگاهی که در عرصه اقتصاد و اداره تجارت، جایگاه بلندی در میان دانشگاه‌های امریکا دارد. اما محمد بن سلمان، جوان تازه‌کاری است که هیچ‌گونه تجربه‌ای در عرصه سیاست و نیرنگ‌های آن ندارد؛ تمام سهم‌اش از سیاست این است که فرزند پدر پیری است که پس از مرگ شاه پیر قبل از خودش، تاج پادشاهی بر سر نهاده و مسئولیت‌اش این است که در برابر نفوذ انگلیس استاده‌گی کند؛ انگلیسی‌ها که نفوذش را توسط آل سعود در سرزمین حرمین گسترانید.

امریکا از خام بودن این جوان تازه‌کار (محمد بن سلمان) و آرمان‌هایش استفاده نموده و او را آماده نمود تا نقش‌های مهم و تأثیرگذاری را در منطقه خاورمیانه بازی نماید. پرسش این است که نقشی را که امریکا از این جوان خوش‌باور و ساده‌لوح می‌خواهد در این منطقه آتش‌گرفته و ناهنجار بازی کند، چیست؟ منطقه‌ای که شام، عراق، یمن و فلسطین آن دست‌خوش نیرنگ و دسیسه‌چینی‌های گرگان درنده شرق و غرب گردیده، در حدی که حساب کار از دست همه دور رفته است.

شاید نخستین کاری که آدم مثل ترامپ از این جوان ساده‌لوح (محمد بن سلمان) و پدر فرسوده‌اش می‌خواهد، این است که درآمد حاصل از نفت سعودی را در خزانه‌های امریکا سرازیر نماید، چنان‌چه میلیاردها دلار (۴۶۰ میلیارد) به مجرد آن‌که سعودی به ۲۳ شرکت بزرگ امریکا جواز فعالیت داد، به حساب امریکا ریخته شد. (منبع: الجزیره نت ۲۰ می ۲۰۱۷م) مطمئناً سهام شرکت "ارامکو" که به زودی در بازار بورس امریکا به مزایده گذاشته خواهد شد، آخرین بطری شیری نخواهد بود که امریکا از این گاو شیرده خواهد دوشید.

جنگ علیه تروریسم یعنی اسلام، این شعار همیشه در صحنه بوده و همواره روی میز باداران و مزدوران قرار داشته و شانه‌به‌شانه از آن استفاده می‌کنند. هدف اصلی از این شعار، نابود کردن روند بیداری روبه‌رشد و سرکش اسلامی و مسدود کردن راه در برابر آنانی است که تلاش دارند زندگی اسلامی را از سر گیرند. آنان با این شعار می‌خواهند از برپائی دولت خلافت، که سردمداران و تصمیم‌گیران غرب و امریکا نشانه‌های برگشت آن را احساس نموده و دیده اند، جلوگیری و یا آن را به تأخیر بیندازند.

چنانچه صفحه سکای نیوز عربی به تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۱۷م با نشر گزارشی چنین نوشت: «محمد بن سلمان ولیعهد سعودی در خلال نشست افتتاحی وزرای دفاع کشورهای پیمان اسلامی برای جنگ با تروریسم تأکید نمود که بزرگ‌ترین خطر تروریسم این است که عقیده اسلامی مان را آلوده می‌کند.» در این گزارش گفته شده که بیشتر از ۴۰ دولت در این گردهمایی تأکید نمودند که برای مبارزه با تروریسم همه باهم سهم نظامی، مالی، استخباراتی و سیاسی خود را اداء خواهند نمود. در دیدارهایی که در این گردهمایی صورت گرفت، استراتژی عام پیمان اسلامی و نظامی مبارزه با تروریسم و ابزارهای ممکن و منسجم فعالیت‌ها و اقدامات بعدی در جنگ علیه تروریسم به بحث و بررسی گرفته شد که شامل عرصه‌های فکری، رسانه‌ای و نظامی می‌شود. برنامه کاری که راه را به سوی فعالیت مشترک دولت‌های اسلامی برای نابودی کامل تروریسم باز خواهد نمود و زمینه هماهنگی آن با سایر تلاش‌های جهانی به منظور حفظ امنیت و صلح بین‌المللی را فراهم خواهد آورد، نیز در این گردهمایی به بحث و بررسی گرفته شد.

به این ترتیب، حکام خائن آل سعود، سرزمین حرمین شریفین را به بهانه مبارزه با تروریسم، تبدیل به لانه و مکانی برای جلب و جذب و رهبری پیمان‌ها علیه اسلام نموده اند. تروریسم شعاری است که امریکا به همکاری سایر نیروهای غرب کافر آن را طرح نمود تا تمام قدرت‌های کوچک و بزرگ وابسته به خودش را در جنگ علیه اسلام و مسلمانان و جلوگیری از بیداری امت اسلامی به کار گیرد، بیداری که غرب به رهبری امریکا سخت از آن در هراس بوده و آن را خطری علیه خود می‌داند. این در حالی است که امریکا خود تروریسم جهانی را پرورانده و از آن برای کشتار، ویرانی و متفرق نمودن ملت‌های ضعیف کار می‌گیرد.

انقلاب علیه نظام سیاسی موجود در سعودی و تغییر آن از حاکمیت پیری که زیر عبای وهابیان سلفی جای گرفته، به حاکمیت جوان و آزادی که از پستان فرهنگ غرب تغذیه نموده و خون غرب در رگ‌های آن جریان دارد، غربی که هوش و حواس آنان را از آنان گرفته است. هم‌چنین، گذار از جامعه بسته سعودی که زن را در خانه محبوس نموده و به آن اجازه نمی‌دهد تا نقاب از چهره برداشته و یا راننده‌گی کند، به سوی جامعه بازی که تمام هم‌وغم‌اش دست‌رسی به زرق و برق فریبنده غرب باشد. برخی از نشانه‌های این گذار قرار ذیل است:

الف) محمد بن سلمان ولیعهد سعودی خواستار حمایت جهانی برای گذار عربستان سعودی به جانب جامعه باز شد تا بتواند سرمایه‌های جهانی را به سوی خود جذب نماید: وی که در گفتگویی با روزنامه گاردین انگلیس سخن می‌گفت، افزود: «دولت به شدت محافظه‌کاری که ما در سی سال گذشته تجربه نمودیم، دولت غیرطبیعی بوده.» وی مذاهب قبلی را که بالای جامعه سعودی تسلط داشتند ملامت نموده و افزود که: «آنچه در سی سال گذشته اتفاق افتاد، هیچ پیوندی با عربستان سعودی ندارد و اینک زمان

آن رسیده تا از شر آن رها شویم.» وی گفت که: «۷۰ درصد از اتباع جامعه سعودی زیر سی سال عمر دارند و نمی‌خواهند سی سال دیگر از زندگی خویش را صرف مبارزه با افکار تندروانه کنند.» وی اشاره نمود که نیاز است هرچه زودتر این افکار نابود کرده شود. (منبع: الجزیره نت ۲۵ اکتوبر ۲۰۱۷م)

ب) کاستن از صلاحیت‌های اداره امر به معروف و نهی از منکر: چنانچه نشریه "واشنگتن پست" امریکایی در این زمینه گزارشی را منتشر نموده و در آن گفته: «امور سیاست خارجی، دینی و آراء مخالف در سعودی در حال حاضر به گونه بازتر و در سطوح گسترده‌تری بررسی می‌گردد. "پولیس دینی" تقریباً بی‌دندان شده و یا حتی ممکن است کاملاً ملغی شود و دیگر صلاحیت پولیس را ندارد.» روزنامه مذکور می‌افزاید: «این اداره که نام کامل آن "اداره امر به معروف و نهی از منکر" می‌باشد، از سال‌های نخست تأسیس حکومت سعودی، دیدگاه خودش از قواعد اسلامی بالای رفتار عام جامعه را بالای مردم تحمیل نموده بود و افراد آن احياناً زیر نام "دوطلبان" فعالیت می‌نمودند. کار این اداره در این سال‌ها این بوده که از گردهمایی‌های مختلط زن و مرد جلوگیری نموده و نگذارد امکان کاری و دوکان‌ها در هنگام نماز باز باشد.» (منبع: Sputnik عربی ۱۶ اگست ۲۰۱۷م)

ج) اجازه راننده‌گی به زنان سعودی و پرداختن به برخی اعمال دیگری که قبلاً برای زنان ممنوع بود: البته باید تذکر داد که اسلام زن را از راننده‌گی و اعمال مشخصی مانند تجارت، پزشکی، تعلیم و تربیه و غیره منع نمی‌کند، به شرط آن‌که این اعمال بر اساس احکام نظام اجتماعی اسلام تنظیم و ترتیب گردیده باشد. به این معنی که باید موارد وجوب و یا جدائی میان زن مرد از نظر اسلام مراعات گردد، که جزئیات آن به گونه مفصل در کتاب "نظام اجتماعی در اسلام" اثر شیخ تقی الدین نبهانی رحمه الله مؤسس حزب التحریر، شرح داده شده است. بنابر این، ما هیچ نیازی به افکار ملیتی نداریم که غرب کافر برای ما به ارمغان آورده و به آن بالای ما فخر می‌فروشد، زیرا اسلام و احکام فراگیر آن به خوبی توان حل تمام مشکلات دنیای مان را دارد.

د) هدف ما از پرداختن به این بحث در این جا فقط تغییراتی است که حاکمیت جدید عربستان سعودی در جامعه سعودی روی دست گرفته که به پیمانۀ گسترده‌ای در رسانه‌های غرب روی آن بحث و تبادل نظر صورت می‌گیرد. چنانچه بی‌بی‌سی عربی با توجه فوق العاده زیادی این موضوع را برجسته می‌کند که طبیعتاً توجه غرب به تغییراتی را که در جوامع سرزمین‌های اسلامی رو نما می‌گردد در پی دارد، به ویژه اگر این تغییرات هم‌خوان با فرهنگ و تمدن غرب باشد. به طور مثال: بی‌بی‌سی در یکی از گزارش‌هایش چنین می‌گوید: «تصمیم حکومت شاهی عربستان سعودی مبنی بر جواز راننده‌گی برای زنان، خبر خوب و کمیابی است که در حال حاضر از منطقه خاورمیانه به گوش می‌رسد. این تغییرات از بالا به پایین رونما می‌گردد، به ویژه با وجود و توجه شاهزاده ولیعهد جدید محمد بن سلمان، که سبک جدیدی از سیاست را روی دست گرفته است.» (منبع: بی بی سی عربی ۲۸ سبتمبر ۲۰۱۷م)

و) یورش بردن بر آن عده از اعضای خانواده شاهی و منتقدین، اعم از تجار و سیاست‌مدارانی که مزدور انگلیس به شمار می‌روند، بلکه حتی نابودی کامل وجود و تأثیر آنان در دولت و جایگزین کردن وابسته‌گان امریکا به جای آنان: هم‌چنین هدف دیگر کاستن از

تأثیر مزدوران انگلیس در دولت‌های کوچک خلیج و اردن و تنگ کردن ساحه و میدان فعالیت‌شان تا حد ممکن و تضعیف مزاحمت‌های آنان برای امریکا در منطقه است.

این‌جا به بخشی از پاسخ به پرسشی که توسط عالم بزرگوار عطاء بن خلیل ابورشته امیر حزب التحریر حفظه الله به تاریخ ۲ ربیع الاول ۱۴۳۹ هـ.ق موافق با ۲۰ نومبر ۲۰۱۷ م منتشر گردید، اشاره می‌کنیم که این مسئله را بهتر روشن خواهد نمود: «به این ترتیب، آنچه زیر نام مبارزه با فساد در سعودی جریان دارد، در حقیقت اقداماتی است که به منظور ریشه‌کن نمودن نفوذ انگلیس و جلوگیری از تلاش احتمالی طرف‌داران آن برای راه‌اندازی کودتا و یا هرگونه اقدام دیگری علیه ملک سلمان و فرزندش محمد، که ولیعهد وی است، راه‌اندازی گردیده است. هدف دیگر این است که قدرت به گونه‌ی بی‌خطر و بدون مخالفت کسی به ولیعهد جدید انتقال داده شود، زیرا بن سلمان جوان تعهد نموده که در خدمت منافع امریکا قرار داشته و با هرگونه مخالفت داخلی برخورد نماید، حتی اگر این مخالفت توسط نزدیک‌ترین افراد خانواده‌اش صورت گیرد. و هم چنین هرگونه مخالفت بیرونی و به خصوص از جانب انگلیس، تا در این جزیره، تنها امریکا دست برتر را داشته و تنها قدرت خارجی باشد که در آن نفوذ دارد و چنین است که خیانت تداوم یافته و تجزیه نمی‌گردد.» ﴿وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ﴾

آنچه در داخل سعودی اتفاق افتاد و می‌افتد، پیام‌های ضمنی و پوشیده‌ای است برای مزدوران انگلیس در بیرون از سعودی و مشخصاً در دولت‌های کوچک خلیج و اردن، مبنی بر این‌که بهتر است شما میدان را برای امریکا و جریان طوفانی ترامپ که از آن طرف اقیانوس‌ها در حرکت است، تخلیه نمائید، در غیر آن بلایی را بر سر شما خواهد آورد که بر سر هم‌فکران‌تان در سعودی آورده است. به همین دلیل است که مزدوران انگلیسی امروزه سخت نگران بوده و شب و روز از این تغییرات به پشتیبانی امریکا در هراس به سر می‌برند، تغییراتی که کاملاً بی‌سابقه و غیرمنتظره بوده. اقدامات اخیر که به رهبری سعودی علیه قطر صورت گرفت، تازه‌ترین و روشن‌ترین نمونه‌ای است که می‌توان این‌جا به آن اشاره نمود.

۱- تداوم همکاری با قدرت‌های سهیم در بحران سوریه-روسیه، ایران، ترکیه، کردها که همه توسط امریکا پشتیبانی می‌شوند- به هدف نابودی انقلاب سرزمین شام و تحمیل نمودن راه‌حل سیاسی بر اساس ارزش‌های سیکولریستی امریکایی: گردهمایی نیروهای مخالف سوریه در گفتگوهای ریاض در همین سیاق و هدف خطرناک به منظور تشکیل هیأتی برای شرکت در گفتگوهای ژنیو صورت گرفت و این درست در زمانی بود که سخن از اعمال فشارها برای پذیرفتن راه‌حلی که سرنوشت بشار اسد را استثناء قرار دهد، بر سر زبان‌ها بود. (منبع: الجزیره نت ۲۲ نومبر ۲۰۱۷ م)

۲- تداوم به رسمیت شناختن دولت یهود در فلسطین و دامن زدن به روند صلح با آن به هدف تحریک مجدد پیشنهاد عربی که امریکا ملک عبدالله بن عبدالعزیز را مؤظف نموده بود تا آن را در کنفرانس نشست کشورهای عربی فیصله نماید، کنفرانسی که در سال ۲۰۰۳ م در بیرون لبنان برگزار گردید. فیصله یاد شده امروزه به نام "معامله قرن حاضر" یاد شده و نشانه‌های آن در روزهای اخیر به خوبی روشن گردید. چنانچه صفحه‌هاف پوست عربی به تاریخ ۲۲ نومبر ۲۰۱۷ م در گزارشی نوشت: «نشانه‌های آنچه که "معامله

قرن حاضر" و یا معامله نهائی که توسط دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا بالای فلسطینیان اعمال گردیده به خوبی برملا گردیده و همزمان با آن؛ نشانه‌های فشارهایی که با مشارکت رسمی کشورهای عربی بالای حکومت فلسطین جهت پذیرش آن اعمال می‌گردد، نیز برملا می‌گردد. یک فرد دیپلماتی که نمی‌خواهد نامش فاش شود، زیرا اجازه ندارد این موضوع را با رسانه‌ها بحث و مناقشه کند، در این زمینه چنین می‌گوید: این توافق شامل موارد زیر می‌گردد: تشکیل حکومت فلسطینی که شامل مرزهای نوارغزه، مناطق A و B و بخش‌هایی از منطقه C در کرانه غربی می‌گردد و این که کشورهای کمک کننده باید ۱۰ میلیارد دالر را برای تشکیل این حکومت فلسطینی و زیربنای آن، به شمول میدان هوایی، بندر بحری غزه و مناطق مسکونی، زراعتی، صنعتی و شهرهای جدید بپردازند. در عین حال، اوضاع قدس و قضیه بی‌جا شده‌گانی که قصد برگشت دارند، باید تا مذاکرات بعدی به تأخیر افتد؛ راه‌اندازی مذاکرات نهائی که شامل گفتگوهای صلح اقلیمی میان اسرائیل و دولت‌های عربی به رهبری سعودی می‌گردد. دیپلمات مذکور که به شدت طرفدار گروه امریکائی است و می‌افزاید: «محمد بن سلمان در آغاز ماه نومبر ۲۰۱۷م با محمد عباس دیدار نمود تا وی را در جریان این پیشنهاد قرار دهد. ولیعهد سعودی از رئیس جمهور فلسطین خواست به این نقشه رأی مثبت نشان داده و آن را بپذیرد.»

۳- تقسیم نمودن مسلمانان به دو گروه و محور، که هردو عاری از ایمان باشند؛ محور سنی به رهبری سعودی و محور شیعه به رهبری ایران: این کار را به اختلافات قومی و مذهبی دامن زده و خطر وهمی و خیالی را به منظور برانگیختن ترس و وحشت دولت‌های خلیج ایجاد خواهد نمود. پیامد دیگر این کار، ضربه زدن به احساس وحدت میان مسلمانان و هدر دادن انرژی و توان امت در نزاع‌های قومی و مذهبی است که منجر به ضایع شدن امت اسلامی در میان دو محور خواهد شد، دو محوری که هردو به گونه مستقیم یا غیرمستقیم مزدوری امریکا را می‌کنند. یکی با این ادعاء که در برابر امریکا و رژیم یهود قرار داشته و رهبر آن ایران است و دیگری با این ادعاء که میانه‌رو و باز بوده و توسط سعودی رهبری می‌گردد، اما سرزمین‌های اسلامی و بنده‌گان الله سبحانه و تعالی را به تدریج زیر تسلط کامل امریکا قرار می‌دهد.

جنگ و جدال‌های بچه‌گانه و یا بهتر است بگوییم چنگ و دندان نشان دادن گربه‌های چاق و چله میان دو طرف "ایران و سعودی" که هردو وابسته به امریکا می‌باشند، عملاً شروع گردیده است. از استعفای عجیب و غریب و غیرمعمول سعدحریری نخست وزیر لبنان که از ریاض اعلان نمود شروع تا موشکی را که حوثی‌ها به جانب سعودی پرتاب کردند و کنفرانس‌ها و اظهارنظرهای مهاجمانه‌ای که دو طرف علیه یک‌دیگر داشتند، همه اقداماتی است که حساسیت‌های قومی و مذهبی منطقه را برانگیخته و زمینه را برای آتش گرفتن نزاع‌های منطقه‌ای فراهم می‌کند.

از جمله این اظهارات می‌توان به ادعای اعضای کنفرانس کشورهای عربی اشاره نمود که گفتند: «موشک‌های ایران پس از این پایتخت‌های عربی را تهدید می‌کند.» احمد ابوالغیط سرمنش کنفرانس کشورهای عرب در کنفرانس مطبوعاتی پس از پایان نشست اضطراری وزرای خارجه عرب در قاهره به تاریخ ۱۹ نومبر ۲۰۱۷م در سخنانی گفت: «ایران تلاش دارد از خود خنجری در حلقوم سعودی و دولت‌های خلیج بسازد. موشکی را که حوثی‌ها به جانب سعودی پرتاب نمودند، خطرناک‌ترین گامی است که ایران در

سلسلهٔ تجاوزها، خراب‌کاری‌ها و فتنه‌افگنی‌هایش در منطقه برمی‌دارد و ما چاره‌ای نداریم، جز این‌که واقعیت را پذیرفته و چنان‌که هست، تعریف نمائیم و بگوییم: این موشک در حقیقت پیام روشنی است از جانب ایران مبنی بر این‌که تلاش دارد، تخریب، فتنه‌افگنی و نفرت را در منطقه دامن زند و هم چنین پیام خصمانه‌ای است که متوجه عربستان سعودی و تمام دولت‌های عربی نموده.» (منبع: العربیه نت ۱۹ نوامبر ۲۰۱۷م)

ایران نیز فوراً واکنش نشان داده و موقف‌اش را توسط محمد جواد ظریف وزیر خارجه‌اش چنین ابراز نمود: «عربستان سعودی، تروریسم را تمویل می‌کند، علیه یمن می‌جنگد، قطر را محاصره نموده و اوضاع لبنان را متشنج می‌سازد.» ظریف اتهامات سعودی ایران را مبنی بر این‌که آرامش منطقه را برهم زده، تمسخر آمیز خواند، زیرا به گفتهٔ وی ایران با روسیه و ترکیه تلاش دارند تا در سوریه زمینهٔ آتش بس و مذاکرات فراگیر را فراهم آورند. (منبع: الجزیره نت ۱۹ نوامبر ۲۰۱۷م)

این است مکرری که امریکا علیه مسلمانان به راه انداخته و آن هم خیانت مزدوران‌اش، اما آن‌چه که مسلم است این است که مکر و خیانت آنان به خواست الله سبحانه و تعالی محو و نابود خواهد شد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ؛ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ﴾

[فاطر: ۱۰]

ترجمه: و کسانی که با حیله و مکر کارهای بد می‌کنند، عذابی سخت خواهند داشت و نیرنگ‌شان خود تباہ می‌گردد.

برگرفته از مجله الوعی

مترجم: عبدالله دانشجو